



تحولات میدانی سوریه

امین پرتو*

اشاره:

تنوع نیروهای درگیر در جنگ داخلی سوریه سبب وقوع انبوهی از رویدادها و تحولات گوناگون در جریان این جنگ شده است؛ جنگ میان نیروهای دولت و مخالفان، جنگ مخالفان و گروه‌های تروریستی - تکفیری با یکدیگر، مداخله نیروهای خارجی و در کنار آن اتحادهای موقتی و مصلحتی و جدا شدن و ادغام گروه‌های مختلف در یکدیگر. این همه در حالی است که پویایی حوادث در سوریه سبب شده است تا نه پیروزی، نه شکست، نه بن‌بست نظامی و نه آتش‌بس هیچ یک پدیده‌هایی پایدار و مداوم نباشد. در این نوشته تلاش شده است در عین رعایت دقت در خصوص جزئیات جنگ داخلی سوریه در دو ماه گذشته، تحلیلی راهبردی از وضعیت کنونی میدانی در سوریه و افق‌های پیش روی آن ارائه شود.

مقدمه

درونی میان علویان سوریه؛ اعلام خبر حضور نیروهایی از تیپ نوه‌د ارتش در سوریه؛ شدت گرفتن درگیری و اختلاف میان جبهه نصرت با ارتش آزاد و نیز احرار الشام؛ تهدید آمریکا به آغاز برنامه موسوم به «پلان ب» و بالاخره انتخابات پارلمانی در سوریه و مسئله مذاکراتی که همچنان به صورت کلافی سردرگم باقی مانده است.

آمریکا به طور مداوم تأکید می‌کند که اسد باید به هر قیمت برود و حتی نباید نقشی در روند گذار سیاسی داشته باشد، اگرچه گفته‌های اواما در مصاحبه با نشریه آتلانتیک برخی انتظارات را ایجاد کرده بود که واشنگتن در خصوص سوریه انعطاف بیشتری از خود نشان دهد. اواما گفته بود که عربستان باید برای ایران سهمی از منطقه خاورمیانه را در نظر بگیرد و به دنبال آن نباشد که برای مهار تهران، از آمریکا استفاده ابزاری کند. با این حال تأکید آمریکا بر عبور از اسد و تهدید به آغاز احتمالی پلان ب در صورت خاتمه آتش‌بس، از تداوم رویکرد واشنگتن گواهی می‌دهد.

این تحلیل که آمریکا در سوریه گرفتار سیاستی پرتناقض است، آشکار شده است: گروه‌های مسلح شده توسط سی.آی.ای (ارتش آزاد) با گروه‌های مسلح شده توسط پنتاگون (کردهای سوریه) مشغول رویارویی نظامی تمام عیار هستند و هر یک دیگری را با سلاح‌های هدایی آمریکا هدف قرار می‌دهد؛ اگرچه سفیر آمریکا در ترکیه، سرانجام

حوادث دو ماه گذشته در سوریه از حیث تنوع و بی‌سابقگی قابل توجه بوده است: اعلام رسمی دولت روسیه مبنی بر خروج عمده نیروهایش از سوریه که تعجب بسیاری را برانگیخت و تحلیل‌های گوناگونی را موجب شد؛ دستیابی به آتش‌بسی نسبتاً پایدار در بسیاری از مناطق سوریه میان دولت و مخالفان موسوم به میانه‌رو؛ مستثنی شدن داعش، جبهه نصرت و گروه‌های مؤتلف با آن از آتش‌بس و ادامه عملیات نظامی علیه آنها توسط نیروهای دولتی سوریه؛ آزادی مناطق حساسی همچون تدمر و القریهین از اشغال داعش؛ تداوم حملات سنگین داعش در مناطق مختلف مانند دیرالزور، مسیر اثریا-خنصر، حومه دمشق، قلمون و درعا؛ کاربرد سلاح شیمیایی توسط داعش و نیز توسط بخشی از گروه احرار الشام؛ حملات موفق جبهه نصرت در حومه حلب که البته با ضدحمله متقابلاً موفق نیروهای دولتی همراه بود؛ آشکار شدن نشانه‌هایی از اختلافات



* کارشناس مسائل خاورمیانه و استراتژیک

شکنده بودن آتش بس و احتمالاً فروپاشی آن و تداوم جنگ خواهد بود.

تحولات نظامی

پس از توافق آمریکا و روسیه در خصوص برقراری آتش بس در سوریه و از فردای تصویب قطعنامه ۲۲۶۸ شورای امنیت در ۲۶ فوریه ۲۰۱۶، آتش بس در جنگ داخلی سوریه برقرار شد. آتش بسی که داعش و جبهه نصرت و متحدان آن را در بر نمی گرفت. دولت سوریه، گروه احرار الشام و گروه‌های عضو جیش الفتح را هم از شمول آتش بس خارج اعلام کرد؛ هر چند خود این گروه‌ها هم عدم پایبندی خود به آتش بس را اعلام کرده بودند. در این میان کردهای سوریه اعلام کردند که به آتش بس پایبند خواهند ماند. بدین ترتیب با وجود این که درگیری‌ها در سوریه به میزان قابل توجهی فروکش کرد، اما عملیات نظامی در برخی نقاط با تمرکز و شدت بیشتر پیگیری شده است. نیروهای دولتی و گروه‌های هوادار آن، توفیقات نظامی خود را ادامه دادند. نخست حمله داعش به گذرگاه اثریا-خناسر که راه تدارکاتی به سوی نیروهای دولتی در حلب را در برمی گیرد دفع شد؛ پس از چند روز بسته ماندن گذرگاه، نیروهای داعش به عقب رانده شدند. سپس دو شهر مهم تدمر و قریتین که سال پیش به تصرف داعش درآمده بود آزاد شدند. آزادی تدمر پیروزی نمادینی بود که با تبلیغات بین‌المللی همراه شد. در همین زمان و در غوطه شرقی دمشق پیشروی‌های چشمگیر ارتش سوریه ادامه یافت و مخالفان محاصره شده، هر چه بیشتر به تنگنا افتادند. داعش در شرق حلب، شرق حما، دیرالزور، حومه دمشق و قلمون

تحت فشارهای ترکیه که کردهای سوریه را همدست پ.ک.ک. می‌داند، اعلام کرد که واشنگتن کمک نظامی به «یگان‌های مدافع خلق» را متوقف کرده است. این تناقض تنها در رفتار آمریکا به چشم نمی‌خورد بلکه روسیه هم با اعلام رسمی خروج خود از سوریه - که البته مبهم و یک مانور تبلیغاتی به نظر می‌آید - همگان را شوکه کرد. از نظر برخی، این اقدام روسیه به این معنا بود که پس از اظهارات اسد و وزیر خارجه‌اش ولید المعلم، مبنی بر باقی ماندن اسد در قدرت به هر قیمت ممکن، روسیه عدم حمایت خود از این اظهارات را نشان داده است. با وجود این به رغم اینکه برخی از جنگنده‌های روسیه به کشور خود بازگشتند اما عملیات هوایی روسیه کماکان ادامه یافت؛ این به آن معنا بود که روسیه بر آتش بس و پیشبرد روند سیاسی برای تغییر در سوریه صحنه گذاشته و در عین حال همچنان به یاری سوریه برای عملیات علیه داعش و سایر گروه‌های تروریستی یاری خواهد رساند؛ ضمن آنکه ضمانت کافی برای ممانعت از مداخله محتمل ترکیه یا عربستان سعودی و طرح‌هایی مانند منطقه حائل را ایجاد خواهد کرد. ضمن اینکه اهداف نظامی روسیه یعنی تثبیت موقعیت نظام اسد که بر اثر شکست‌های نظامی نیمه اول سال ۲۰۱۵ در ادلب و لاذقیه در حال فروپاشی نظامی بود و عقب‌راندن گروه‌های مسلح از نزدیکی پایگاه‌های نظامی روسیه نیز حاصل شده بود.

با وجود این ابهام در سیاست و اهداف روسیه و آمریکا، طرفین اصلی درگیری ابهام‌چندانی در بیان اهداف و سیاست‌های خود به خرج نمی‌دهند: اسد و نخبگان حامی وی، ادامه قدرت خود به هر نحو ممکن را به صراحت اعلام می‌کنند؛ اسد از مخالفان می‌خواهد تا تسلیم شوند و «معلم» و «بشار الجعفری» می‌گویند که با مخالفان بر سر برکناری اسد هیچ گفتگویی نخواهند کرد. مخالفان هم به صراحت می‌گویند که جنگ سوریه برای برکناری اسد بوده است و انقلاب سوریه دارای پنج هدف اصلی است: اول؛ برکناری بشار اسد و نظام تک حزبی بعث؛ دوم خاتمه سرکوب سیاسی و آزادی زندانیان؛ سوم خارج شدن کلیه نیروهای خارجی از سوریه؛ چهارم حفظ تمامیت ارضی سوریه و هویت قومی آن و بالاخره منع هرگونه سهم‌خواهی سیاسی از آینده سوریه^۱ بدیهی است که هیچ یک از این خواسته‌ها نه مورد موافقت اسد و نه حامیانش و حتی روسیه قرار نخواهد گرفت. حاصل این وضعیت،

۱. المبادی الخمسه للثوره السوريه: اسقاط بشار الاسد و ارکانه؛ تفکیک اجزیه القمع؛ خروج کافه القوی الاجنبیه؛ الحفاظ علی وحده سوریه و هویتها و رفض المحاصره بانواعها.

توانست شهر الراعی و مناطق اطرافش را بازپس گیرد اما احتمال پایداری در برابر حملات مجدد ارتش آزاد که در حملات اخیر پشتیبانی هوایی آمریکا را هم داشته‌اند، اندک است. در میان بادیه، گروه موسوم به ارتش جدید سوریه که خود را بخشی از ارتش آزاد می‌داند داعش را از گذرگاه مرزی التنف در مرز با عراق فراری داد؛ به این ترتیب مجموعه‌ای از گذرگاه‌های بیابانی تا حاشیه شمالی دمشق و شهرهای جیرود، نصیریه و عطنه به کنترل ارتش آزاد درآمده است. گروه‌های متحد داعش در درعا یعنی لواء شهدای یرموک و حرکه المثنی کوشیدند تا شکست‌های نظامی خلافت تکفیری را جبران کنند؛ تسیل، نوا و انخیل و بسیاری از شهرها و روستاهای این منطقه که در کنترل جبهه نصرت یا ارتش آزاد بود، موقتاً به اشغال داعش درآمد اما با ضدحمله‌ای موفق، از دست داعش پاکسازی شد. این شکست برخی اختلافات درونی میان نیروهای داعش در منطقه را موجب شد که نهایتاً بخشی از حرکه المثنی از داعش جدا شد و باقی مانده آن در لواء شهدای یرموک ادغام گردید.

در حالی که درگیری‌های پراکنده میان نیروهای دولتی و ائتلاف جبهه نصرت و جبهه اسلامی در لاذقیه، حما، حمص و دمشق ادامه داشت، سنگین‌ترین درگیری‌ها در اطراف حلب رخ داد. پس از شکست‌های متوالی از نیروهای هوادار دولت در حلب و رفع حصر نبل و الزهرا، سرانجام مخالفان توانستند اندکی پیش از آتش‌بس در شیخ عقیل شکست سختی به نیروهای دولتی وارد کنند. هم‌زمان و با بهره‌مندی از حمایت ترکیه، هجوم کردها در شمال حلب به سوی شهر عزاز دفع شد. به تلافی اعلام جنگ ناگهانی کردها، مخالفان حملات گسترده‌ای به سوی محله «شیخ مقصود» حلب که در کنترل کردها است صورت داده‌اند. حتی در یک مورد یکی از گروه‌های وابسته به احرارالشام با گاز سمی به این محله حمله کرد؛ گرچه احرارالشام با اعلام برائت خود از برخورد با مرتکبین این اقدام خیر داد. کردها که هر از گاهی زیر آتش توپخانه ترکیه قرار دارند، کوشیدند مجدداً به سوی عزاز و باب السلامه حمله کنند اما پایداری ارتش آزاد (به ویژه گروه لواء الصقور الجبل) این کوشش را ناکام گذاشت. کلیپ‌های متعدد از هدف قرار گرفتن واحدهای کرد مورد حمایت آمریکا با موشک‌های تاو آمریکایی که ارتش آزاد مورد حمایت آمریکا با شلیک می‌کردند، مباحث بسیاری در آمریکا برانگیخت.

معرکه گردان اصلی هفته‌های اخیر سوریه را باید جبهه نصرت دانست. جبهه نصرت در جبهه حلب نخست با حمله‌ای برق‌آسا

به ضدحملات وسیعی دست زد که همچون قطع مسیر حلب ناموفق بود: عملیات در حلب و حما به سرعت شکست خورد؛ در دیرالزور به‌رغم توفیقات اولیه، تلفات سنگین به سبب حملات هوایی، پیشروی را متوقف کرد؛ داعش در حومه دمشق و حمله به فرودگاه ضمیر توفیقی نیافت؛ نیروگاه تشرین از وجود آن پاکسازی شد و تنها مقرهای نظامی در بیابان شرق دمشق و قلمون شرقی تصرف شد. نیروی داعش در قلمون غربی هم چنان اندک و ضعیف و چنان مشغول درگیری با جبهه نصرت است که یارای عملیات مهمی ندارد. همان نیروی اندک در جیرود عرسال، جیرود رنکوس و جیرود جراجیر هم زیر آتش سنگین حزب‌الله و عقب رانده شدن داعش از قریتین، امید خود را از دست داده است. به نظر می‌آید داعش دچار مشکل اساسی در دستیابی به پیروزی است: جابه‌جایی نیرو و ملزومات به سبب افزایش و دقت حملات هوایی دشمن مشکل شده است؛ تعداد نیروها بر اثر تلفات کم شده است؛ منابع مالی گروه به سبب دشواری در فروش نفت و جابه‌جایی پول نقصان یافته است و از اینها گذشته، علاوه بر حملات دولت، گروه‌های مخالف هم با حملات خود، داعش را در تنگنا قرار داده‌اند. فشار نظامی بر داعش در عراق، سبب کاسته شدن از توان آن در سوریه شده است. کردهای سوریه در حسکه به پیشروی خود ادامه داده‌اند و حتی به سوی دیرالزور به پیش می‌تازند. رقه، مقر سوریه خلافت، موقعیت لرزانی دارد به ویژه اینکه جدایی از داعش توسط نیروهای محلی گسترده شده است. در شمال حلب، ارتش آزاد با حملاتی وسیع مناطق وسیعی در طول مرز با ترکیه را از دست داعش خارج کرد. داعش با ضدحمله

تحوالات سیاسی

به موازات درگیری‌های نظامی، تحولات سیاسی در رابطه با جنگ داخلی سوریه جریان داشته است. مهم‌ترین رویداد سیاسی در دو ماه گذشته اعلام خودمختاری از سوی کردهای سوریه بوده است. در ۱۷ مارس کردهای سوریه با برگزاری نشستی در شهر رمیلان منطقه حسکه سوریه اعلام کردند که مناطق کردنشین کوبانی، جزیره و عفرین در چارچوب سوریه واحد اما فدرال دارای حقوق خودمختاری خواهند بود. تدوین اساسنامه «اتحاد دموکراتیک روژآوا - شمال سوریه» گام بعدی کردهای سوریه بوده است. کردهای سوریه اعلام کرده‌اند که در مناطق مزبور کلیه شهروندان سوریه اعم از کرد، عرب، آسوری و ترکمن از حقوقی برابر برخوردار خواهند بود. با این حال اعلام فدرالیسم در سوریه با مخالفت کلیه کشورهای جهان مواجه شد. دولت سوریه به شدت با اعلام حکومت فدرال مخالفت کرد؛ اسد خود گفت که فدرالیسم در سوریه، به معنای تجزیه و نابودی این کشور است. ایران هم به شدت با اقدام کردها مخالفت کرده است. ترکیه و اعضای اتحادیه عرب هم با این اقدام کردها مخالفت کرده‌اند. آمریکا هم اقدام یکجانبه کردها را غیرسازنده دانسته و مخالفت خود را با آن اعلام کرد. روسیه هرچند با اعلام یکجانبه فدرالیسم توسط کردها مخالفت کرده اما در ماه‌های اخیر تماس‌ها و همکاری با کردهای سوریه را شدت داده است. در برابر اعلام حکومت خودمختار کردستان در سوریه موانع دیگری به جز پذیرش بین‌المللی هم وجود دارد: سه منطقه کردنشین کوبانی، جزیره و عفرین فاصله زیادی با یکدیگر دارند و پیوستگی

شهر العیس و تپه‌های راهبردی مشرف به آن را تصرف کرد. سپس با حمله‌ای دیگر شهر خالدیه را تصرف و به سوی خان‌طومان خیز برداشت. نیروهای مشترک ایرانی، افغان، پاکستانی، لبنانی، عراقی و فلسطینی توانستند نخست خالدیه را آزاد کنند؛ سپس حاشیه العیس را پاکسازی کرده و برای آزادی خود العیس گام بردارند. اگرچه این عملیات نسبتاً پرتلفات بوده است و فرسایشی، اما حمایت هوایی روسیه کمتر بوده است و برتری موقعیت جغرافیایی شورشیان، کار را دشوار ساخته است. نیروهای هوادار دولت سوریه خود را برای عملیات محاصره کامل حلب هم آماده می‌کنند؛ عملیاتی که با تصرف بیانون و کفرداعل، مناطق تحت کنترل مخالفان در حلب را به محاصره کامل در می‌آورد. روسیه به صراحت عدم پشتیبانی خود از این عملیات را اعلام کرده است. به نظر می‌آید شروع این عملیات به منزله خاتمه کامل آتش‌بس باشد. در این میان جبهه نصرت در پشت جبهه‌های جنگ و در منطقه ادلب هم به آتش افروزی مشغول بود و در معره النعمان، نیروهای این گروه، با حمله به گروه موسوم به فرقه ۱۳ از ارتش آزاد، افراد آن را کشته و دستگیر کرده و تسلیحات آن را مصادره کردند. این اقدام با واکنش تند احرارالشام مواجه شده و سبب شد تا جبهه نصرت افراد فرقه ۱۳ را آزاد کند. ریشه این درگیری به تظاهرات سالگرد شروع انقلاب سوریه مربوط است. در ادلب و معره النعمان، مخالفان با پرچم انقلابیون سوری که رنگ سبز دارد، تظاهرات کردند. نیروهای جبهه نصرت با دستگیری برخی از تظاهرکنندگان و یا حتی شلیک به آنان، پرچم مزبور را غیراسلامی اعلام کرده و پرچم سیاه رنگ خود را برافراشتند. این اقدام، خشم عمومی گسترده‌ای علیه این گروه برانگیخت. گرچه عقب‌نشینی سریع این گروه و وساطت احرارالشام و سایر گروه‌ها به بحران خاتمه داد، اما گزارش‌های متعددی وجود دارد که هم میان احرارالشام و جبهه نصرت و هم در درون گروه مزبور تنش‌های داخلی به حد اعلا رسیده است و امکان وقوع درگیری در آینده را بسیار محتمل می‌سازد.

در دو ماه گذشته ساقط شدن دو جنگنده نیروی هوایی سوریه با موشک دستی ضد هوایی احتمالات بسیاری را در ذهن تحلیل‌گران مطرح کرد: آیا سعودی به صورت یک جانبه گروه‌های مخالف را به این سلاح‌ها مسلح کرده است؟ آیا آمریکا نمایشی محدود از پلان ب (تسلیم همه جانبه مخالفان) را ارائه کرده است؟ یا آنکه این تسلیحات از موجودی‌های گذشته گروه‌های مزبور، غنائم جنگی یا خریدهای قاچاق بوده است؟ در این مورد هنوز نظر موثقی وجود ندارد.



از سخنگویان مخالفان اسد اعلام کرده است برخی از وزرای اسد می‌توانند در روند انتقالی حضور داشته باشند. البته افرادی که به زعم او به «جنایتکاری شهره‌اند»، باید استثنا شوند. روند مذاکرات به سبب دفع الوقت از ناحیه دولت اسد به تأخیر افتاده است. برگزاری انتخابات پارلمانی در سوریه یکی از دلایل این تأخیر بوده است اگرچه انتخابات به سبب آوارگی و مهاجرت پنج میلیون شهروند سوری و تسلط دولت بر تنها یک سوم کشور، با پیچیدگی‌های خاص خود همراه است. در این شرایط حتی اگر مذاکرات دوباره شروع شود به سبب آنکه اسد قصدی برای ترک قدرت ندارد و مخالفان و حامیان‌شان هم کوتاه نمی‌آیند، تغییری رخ نخواهد داد. آمریکا و روسیه هر دو بر خاتمه جنگ از طریق روند سیاسی و حفظ آتش‌بس تأکید دارند؛ خروج نظامی روسیه - گرچه بیشتر نمایشی بود تا واقعی - مانوری در همین چارچوب به شمار می‌آید. گرچه اهداف و حرکات پوتین چندان قابل پیشبینی نیست.

ارتش اسد نیروی انسانی خود را به صورت گسترده از دست داده است؛ تلفات سنگین، فراری شدن نیروها و ناتوانی دولت از سربازگیری سبب شده تا ارتش اسد به طعنه «ارتش ژنرال‌های بدون سرباز» نامیده شود. تجهیزات نظامی این ارتش، نیروی زرهی و هوایی یا منهدم شده یا بر اثر بیش از پنج سال جنگ کاملاً مستهلک شده‌اند.

واپسین تحول سیاسی مهم دیگر مربوط به سوریه، توافق میان ترکیه و اتحادیه اروپایی بر سر مسئله آوارگان جنگ سوریه بود. بر اساس این توافق اتحادیه اروپا به ترکیه کمک مالی تا شش میلیارد یورو اعطا می‌کند؛ روایت برای شهروندان ترکیه که قصد سفر به کشورهای عضو اتحادیه اروپا را دارند لغو می‌شود و روند پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا در ازای مشارکت ترکیه در حل بحران آوارگان تسریع می‌شود. در مقابل، همه افرادی که غیرقانونی از طریق ترکیه وارد جزایر یونان در دریای اژه

دو منطقه جزیره و کوبانی با فتوحات نظامی کردها علیه داعش به دست آمده است. مناطق عرب‌نشین وسیعی که اکنون در حسکه، رقه و حلب در کنترل کردها قرار دارد زیر بار حاکمیت خودمختار کردها نمی‌روند. بسیاری از مردم عرب این مناطق هم آواره شده‌اند و در صورت بازگشت به منطقه درگیری نظامی آنها با کردها حتمی است. کوشش کردها برای برپایی اقلیم کردی در سوریه بیشتر از طریق عملیات نظامی علیه داعش و ارتش آزاد بوده است. همین اقدامات سبب شد تا سفیر آمریکا در ترکیه از خاتمه حمایت واشنگتن از کردها خبر دهد.

تحول دیگر ادعای برخی رسانه‌ها مبنی بر دستیابی به اسنادی بود که از فاصله گرفتن علویان سوریه از اسد حکایت می‌کرد. مطابق با این اسناد ادعایی، بزرگان علویان سوریه ضمن اعلام برائت از اقدامات نظام اسد و متحدانش در جنگ داخلی این کشور، علویان را نه شیعه و نه سنی اعلام نموده و خواستار تشکیل حکومتی مبتنی بر حقوق بشر و دموکراسی شده‌اند. مطابق با این اسناد، بزرگان علویان سوریه، حکومت اسد را نه حکومت علویان که حکومت اقلیتی از آنان اعلام کرده‌اند که حتی با علویان منتقد با خشونت تمام رفتار می‌کند. مخالفت با جنگ فرقه‌ای و مذهبی و تساوی همه سوریان با هر قومیت و مذهب، خواسته بیان شده در این اسناد است. فارغ از صحت یا عدم صحت این اسناد، به نظر نمی‌آید نتیجه عملی جدی و فوری از این تحرکات مخفی حاصل شود. تحول دیگر به کوشش‌های سیاسی برای ادامه مذاکرات مربوط است. در حالی که روسیه بر ایفای نقش اسد در دوران انتقالی تأکید کرده است، سالم المسلمی یکی

شده‌اند، بر اساس اصل «یک در برابر یک» به ترکیه منتقل خواهند شد. یعنی در ازای هر سوری که به این ترتیب به ترکیه بازگردانده شود، یک آواره سوری در ترکیه در یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا پذیرفته می‌شود. به این ترتیب اروپا از امواج سهمگین پناهنگان نجات می‌یابد و مسئله را با هزینه‌ای کمتر مدیریت می‌کند؛ برخی این اقدام ترکیه را تعبیر به باج‌گیری از اروپا کرده‌اند به ویژه اینکه ترکیه به صورت مکرر تهدید کرده که اگر اروپا به تعهداتش عمل نکند، ترکیه هم در خاتمه مهار پناهندگان درنگ نمی‌کند. این در حالی است که نگرانی از مسائل حقوق انسانی پناهندگان بخش دیگری از این روند است؛ در این باره کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل در خصوص این توافق گفته است برای آن که حق ارزیابی فرد به فرد آوارگان رعایت شود، نباید آنان را اخراج کرد و تدابیر اتحادیه اروپا و ترکیه اخراج جمعی آوارگان محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

جنگ داخلی سوریه به‌رغم برقراری آتش‌بس نسبی همچنان ادامه دارد؛ آتش‌بس به صورت مکرر از سوی طرفین درگیری نقض می‌شود و همین مسئله در کنار دست نیافتن به توافقی بر سر روند سیاسی دستیابی به صلح و تغییر نظام سیاسی، سبب شده تا آتش‌بس فعلی به شدت شکننده به نظر بیاید. امکان دستیابی اسد و متحدانش به پیروزی نظامی قاطع علیه مخالفان وجود نخواهد داشت. ارتش اسد نیروی انسانی خود را به صورت گسترده از دست داده است؛ تلفات سنگین، فراری شدن نیروها و ناتوانی دولت از سر بازگیری سبب شده تا ارتش اسد به طعنه «ارتش ژنرال‌های بدون سرباز» نامیده شود. تجهیزات نظامی این ارتش، نیروی زرهی و هوایی یا منهدم شده یا بر اثر بیش از پنج سال جنگ کاملاً مستهلک شده‌اند. اگر یاری گروه‌های مقاومت اعم از ایران و حزب‌الله و گروه‌های عراقی، افغان و پاکستانی نبود و اگر حمایت هوایی و تجهیزاتی روسیه وجود نمی‌داشت، وضعیت اسد وخیم‌تر از اکنون می‌شد. مخالفان به‌رغم گوناگونی و اختلافات داخلی و ناهماهنگیشان، بسیار پر شمارند. جذب نیروی خارجی کاهش یافته است اما آنان مرتباً از داخل سوریه نیرو جذب می‌کنند. سیل انتقال سلاح به آنها هم ادامه دارد. با مجهز بودن به سلاح‌های ضد زره و راکت‌اندازهای دوربرد، نبرد با آنها بسیار دشوار است. در هر جا که نیروهای اسد به پیروزی دست می‌یابند مخالفان در جایی دیگر دست به ضدحمله می‌زنند؛ نیروهای دولتی مدام باید جابه‌جا

شوند؛ پراکندگی میداین نبرد آنان را دچار دشواری می‌کند؛ خطوط مواصلاتی به طور مداوم زیر آتش قرار می‌گیرند؛ تأمین و انتقال مهمات و ملزومات دشوار می‌شود و همه اینها در شرایطی است که هر پیروزی نظامی، با از دست رفتن بخشی از نیروها حاصل می‌شود. همچون هر جنگ نامتقارن و پارتیزانی دیگر، مخالفان چون پر شمار و به سلاح‌های کارآمد مجهز هستند و جریان کمک به آنها هم قطع نمی‌شود، شاید در نبردهای تاکتیکی مدام شکست بخورند اما به صورت استراتژیک از صحنه نظامی حذف نمی‌شوند. همه اینها در شرایطی است که هنوز پلان ب آمریکا اجرا نشده است. اگر موشک‌های دستی ضد هوایی پیشرفته به دست مخالفان برسد عرصه بر پشتیبانی هوایی نیروهای دولتی تنگ خواهد شد. انتقال موشک‌های ضد زره بیشتر و راکت‌های دوربرد هم بخشی دیگر از این نقشه است که در صورت اجرا، معادله نظامی در سوریه را به ضرر اسد تغییر خواهد داد. ایالات متحده در آستانه اتخاذ تصمیم نهایی در خصوص سوریه است؛ گرچه تداوم جنگ در سوریه تا کنون مطلوب‌ترین گزینه برای آمریکا بوده است. به زعم آمریکا، ایران، حزب الله و سوریه گرفتار این جنگ شده‌اند و توانشان در این جنگ تحلیل خواهد رفت؛ داعش و جبهه نصرت (نماینده القاعده) هم در این جنگ فرسوده می‌شوند در حالیکه آمریکا هزینه‌ای نخواهد پرداخت و مدیریت از راه دور خواهد کرد؛ این بهترین فرصت برای آن است تا متحدان ایالات متحده، یعنی ترکیه، عربستان سعودی، اروپایی‌ها و اسرائیل، برای حل مشکلات خود تحرک بیشتری نشان دهند.